

الحاج علی الوائلی در میلاد ایا حسین

ای سبط خاتم حسین ای حسین من

توئی امام بتو سلام حسین ای حسین من

ای سبط احمد ای برج فوقه چنان مه گردیدی

حجج ایتر سبل محمد ای خرو و فرشتگان

شاه مایده مه مسدد امام خورانی چنان

عشق تو یحیی نام تو سرمد سرور فخر شیعیان

تو خلایک نگر خاتم چنان زهر و آن

توئی امام بتو سلام حسین ای حسین من

اه ولایت راه هدایت راه تو ای مولای من

بی از عنایت با صد رعایت ای روی دل ربای من

من خالک بابت شور هویت بی پای هوای من

خواهم برایت کنم فدایت جان خود ای آقای من

دارم من غم و نه دی هم بجز خوری آن و

توئی امام بتو سلام حسین ای حسین من

طری بنامت شد در سلامت چو پیکر اورت رسید

زنج شجاعت دریای همت توئی توئی این نور امید

ی بحر عصمت وی سحر رحمت روح منی تو پرید

بنما کرامت به رحمت بهر قلم آهی کشید

سویب کی آیم فدا نهایم این روح خود را

توئی امام بتو سلام حسین ای حسین من

این جانی میلاد ای سراجاد گشته سوی

برد لایزال شادی ارشاد خاکت دوی هر

ای باب امجاد شفیع معیاد خد متکذرات جبریل

دل گشته آزاد بالام تو شاد هستی بهره جده

گویم دما دم بگریم شاد ای علی عمر کریم

توئی امام بتو سلام حسین ای حسین من

میلادت اکنون باشای مقرون ای سبط طاه المصطفی

عشقم شد افزون بهره تو محبوب گشتم زخم اهل جفا

فضل تو مکنون عدل تو موعود ای مظهر صدق و صفا

تو هستی مکنون دل گشته مکنون بیت وفا

این است خطایم دهی جوابم زخم اصحاب فانی

توئی امام بتو سلام حسین ای حسین من

چون مه جمالت راه عدالت راهت ایا حسین حسنی

جاء جلالت رآن رسالت علمت ایا حسین حسنی

دهد دلالت ره کمالت سویب ایا حسین حسنی

فرات جایت شد کربلایت عشقت ایا حسین حسنی

خود خلد بایم طاعت نهایم این نور منی ز منی

توئی امام بتو سلام حسین ای حسین من

لحام الحبی الحاج علی الفرائی
شب میلاد حبی الله نورهدو
روز
شب میلاد شفیع انس جان
روز
 آن حبی ابی علی فخر زمان
 سبط طاها علت کون مکان
 فخر اهل تقیین الله نورهدو
 سوم شعبان گشته جلوه گر
 جوت رُخلاق دو عالم این حیر
 آمده آن شافع علی بر

زاده طه الامین الله نورهدو
 گشت جبریل امین در خلد متی
 گشت خضر س سالم از آن علوی
 دینی حق تابنده شد از همی
 شبیل میر مؤمنین الله نورهدو
 کر بلائین کی روع ایا بارال
 کی کنیم بر آن مزارش مانگاه
 روز میلادش جهان شد همو
 کور اهل زمین الله نورهدو

کی روع اندر رای آن حبی
 جانها سازیم فدای آن حبی
 جان دهم اندر ولای آن حبی
 سر ذاه عالمین الله نورهدو
 در مزارش کی نشینیم ای خدا
 صبح از دل بر کشیم ای سر خدا
 نادمه آفرینگویم این دنیا
 نام تو ماه جبین الله نورهدو

حمد کی آئیم سویت ای امام
 محمد در غربت آخرت تمام
 میفرستیم هزاران برت للام
 عیسی تو با حق قوی الله نورهدو
 هم جان می فدای کر بلا
 ای حبی ای عزت اهل ولا
 بی غارتی شد بغربت مبتلا
 کی بر قبرت نشین
 الله نورهدو